

اول ماه مه و کارگران ایران: زندگی شایسته حق مسلم ماست!

کیواندوخت قهاری

نهم اردیبهشت ماه هشتاد و شش



بر روی پلاکارد کارگران تظاهر کننده در اول ماه پارسال در تهران چنین آمده است "ما خواهان امنیت شغلی هستیم". در آستانه اول ماه مه روز جهانی کارگر هستیم. برای سندیکا ها و اتحادیه های کارگری در سراسر جهان روز اول ماه مه (یازدهم اردیبهشت ماه) مهمترین روز سال است. چون کارگران در این روز در تظاهرات خیابانی شرکت می کنند

و خواستهای خود را در زمینه های گوناگون اجتماعی، اقتصادی و اجتماعی-سیاسی به بیان درمی آورند. اما کارگران ایران به علت جلوگیری دولت از شکل گیری اتحادیه ها و سندیکاهای مستقل قوی قادر به بیان خواستهای خود نیستند. کارگران ایران هم اکنون با چه مشکلاتی روبرو هستند و چه خواستهایی دارند؟

آغاز سنت اول ماه مه

بیش از یک قرن است که اول ماه مه روز جهانی کارگر نام گرفته است. همه چیز در ۱۴ ژوئیه ۱۸۸۹ آغاز شد. در صدمین سالروز حمله فرانسویان ناراضی به زندان باستیل، حادثه ای که سرآغاز انقلاب فرانسه شمرده شده است، کنگره جهانی کارگران در پاریس گشایش یافت. اعضای این کنگره تصمیم گرفتند که روزی را تعیین کنند تا جنبش جهانی کارگری در آن روز خواستهای خود را به بیان درآورد. و چون پیش از آن اتحادیه کارگری امریکا اعلام کرده بود که در روز اول ماه مه ۱۸۹۰ کارگران دست به تظاهرات خواهند زد، تصمیم گرفتند که اول ماه مه را روز جهانی کارگر بخوانند. روز جهانی کارگر به مرور جای خود را باز کرد.

اول ماه مه روز تعطیل عمومی

در آغاز قرن بیستم در بسیاری از کشورهای اروپایی اول ماه مه را روز تعطیل عمومی اعلام کردند، چیزی که نشانگر قدرت سیاسی سندیکاهای کارگری و احزاب سوسیالیستی و سوسیال دموکراتی بود که پیوندی نزدیک با این سندیکاها داشتند. در ایران اما این روز تعطیل عمومی نبوده و نیست. در قانون کار ایران این روز را به عنوان تعطیل کارگری پیش بینی کرده اند. اما در عمل اکثریت کارگران در این روز همچون دیگر شاغلان به سر کار میروند.

اول ماه مه در ایران

هر سال گروهی از فعالان حقوق کارگری در ایران تلاش کرده اند که مراسم روز اول ماه مه را برگزار کنند. در چند سال اخیر شاهد جلوگیری از برگزاری این مراسم بوده ایم. حتی مواردی را دیده ایم که ابراز قصد برگزاری این مراسم موجب فشار بر فعالان کارگری بوده است. جلال حسینی، بنیانگذار انجمن صنفی خبازان در شهر سقز

کردستان و از فعالان کمیته سراسری هماهنگی و دفاع از کارگران اخراجی در ایران، از تجربه خود در سال ۱۳۸۳ می‌گوید: “در واقع اینجا اجازه برگزاری اول ماه مه داده نمی‌شود. در سال ۱۳۸۳ ما اقدام به تشکیل مراسم روز جهانی کارگر کردیم که دستگیر شدیم. الان محمود صالحی با اوضاع بدی در زندان است. من دوسال حکم تعلیق گرفتم. آقای محسن حکیمی همین طور. به ما حکم تعلیق دادند فقط بخاطر اینکه قصد برگزاری مراسم اول ماه مه را داشتیم. حتی مراسم هم برگزار نشده است.”

در حالیکه در این روز دولت ایران از تجمع فعالان حقوق کارگری جلوگیری می‌کند، تجمعات دیگری را خود سازمان می‌دهد. جلال حسینی می‌گوید: “قبل از هر چیز یک حاج آقایی می‌آید، یک ساعت صحبت می‌کند. بعد یک فرماندار می‌آید، چند دقیقه‌ای صحبت می‌کند، والسلام. هیچ نماینده کارگری حق اظهار مطالبات ندارد.”

نهادهای کارگری نامستقل



شوراهای کارگری اسلامی، انجمنهای صنفی و خانه کارگر، نهادهایی هستند که با کنترل دولت به فعالیت مشغول‌اند. اساسنامه‌های هم‌شکل در این نهادها و تعیین کارگران معتقد به ایده‌های عقیدتی و سیاسی موردتأیید دولت به عنوان نمایندگان کارگران مانع از آن بوده است که طیف وسیع کارگران این نهادها را نماینده و سخنگوی خود بدانند.

اول ماه مه پارسال: "قانون بیمانکاری- قانون برده‌داری"

حق تشکل یابی

ماده بیستم اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گوید “هر کس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت آمیز تشکیل دهد.” اگر فعالان کارگری می‌توانستند از این حق انسانی خود بهره ببرند امسال در روز اول ماه مه چه می‌گفتند؟ خواست مبرم آنان چیست؟

در این باره ابراهیم مددی، نایب رییس سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران می‌گوید: “بنا به سنت قدیمی همه کارگران جهان در روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر، خواستها و مشکلات خود را در صحنه اجتماعی مطرح می‌کنند. اما متأسفانه این اتفاق آنچنان که شایسته جامعه کارگری ایران است روی نمی‌دهد و معمولاً تجمعات و اعتراضات کارگری با جلوگیری پلیس انجام نمی‌شود یا اگر هم بشود به شکلی آن خواسته‌ها و نیات واقعی کارگران انعکاس پیدا نمی‌کند. کارگران ایران بسیار از موقعیت خودشان ناراضی هستند که براساس داده‌هایی که وجود دارد این بخاطر ضعف تشکلهای کارگری در طی سالیان گذشته بوده است که امروز این موقعیت را کارگران در ایران دارند. ما فکر می‌کنیم که سازمان یافتن کارگران در سندیکاهایی که مطابق استانداردهایی که در جهان وجود دارد می‌تواند بسیاری از مشکلات را برطرف کند.”

جلال حسینی، از انجمن صنفی خبازان سفز، در این باره می‌گوید: “در واقع نبود تشکل مستقل در ایران باعث شده که اصلاً کارگر هیچ جایگاهی نداشته باشد و در قوانین ایران هم متأسفانه به جایگاه کارگر هیچ توجهی نشده است.”

اهمیت تشکلهای مستقل

وجود تشکل مستقل کارگران که اعضا و نمایندگان آن بدون کنترل دولت فعالیت کنند، می‌تواند موجب سازماندهی کارگران شود. و کارگران در این صورت امکان می‌یابند تا برای بهبود وضعیت زندگی خود و گرفتن حقوق خود تلاش کنند، که حقوقی بشری هستند. از جمله تلاشهای آنان بایست در جهت افزایش حقوق کارگران باشد، چنانچه ابراهیم مددی می‌گوید: “مشکلات زیادی که کارگران امروز دارند یکی دستمزد کم است که به هیچ وجه جوابگوی مخارج یک خانواده چهارنفری آنچنان که در قانون کار پیش بینی شده نیست.”

دستمزد و ایمنی شغلی

شورای عالی کار حداقل دستمزد کارگران در ایران را ۱۸۳ هزار تومان تعیین کرده است. این در حالی است که خط فقر در ایران، بسته به اینکه در کدام شهرستان زندگی کنیم، دستمزدی میان ۳۵۰ تا ۵۵۰ هزار تومان برای خانواده‌ای سه نفره است.

از دیگر مسائل حیاتی برای کارگران برخورداری از امنیت شغلی است. مصوبه‌های مجلس ششم در ایران از امنیت شغلی کارگران کاسته است. این مجلس کارگاههای کوچک را که اکثریت کارگران ایران در آنها مشغول به کار هستند، از شمول قانون کار خارج کرد. کارگر بی‌پناه مانده و دست کارفرمایی که می‌خواهد حداکثر تولید را با حداقل هزینه داشته باشد، برای سوء استفاده از کارگر باز است.

جلال حسینی در این مورد می‌گوید: “هیچ دفاع حقوقی برای کارگران وجود ندارد. کارفرما راحت می‌تواند کارگر ۲۰ ساله را اخراج کند. کارفرما می‌تواند کارگر را بیمه نکند. دولت خود بزرگترین کارفرماست و همه چیز باید از آنجا تعیین تکلیف شود و هیچ نماینده‌ای برای کارگر وجود ندارد که حقوق و مطالباتش را مطرح کند.” پیامد نبود امنیت شغلی اخراجهای دسته‌جمعی کارگران طی سالهای اخیر بوده است. کنترل شدید از سوی حراست در برخی کارخانجات و ترس از اخراج باعث شده است که بسیاری از کارگران از اعتراض به وضعیت حقوقی خود و از متشکل شدن در تشکلهای مستقل کارگری بپرهیزند.

تداوم تلاش

اما به هر حال فعالان حقوق کارگری با توجه به فشار و بحرانی که هم اکنون همه کارگران ایران با آن مواجه‌اند و بخاطر آنکه می‌خواهند که کارگران از حقوق انسانی‌شان، برخوردار باشند به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

حق زندگی شایسته انسانی

جلال حسینی می‌گوید: “ما در قطعنامه‌هایمان برای اول ماه مه، عمده مطالباتمان را روی این مسئله متمرکز کردیم، حق زندگی انسانی، حق زندگی شرافتمندانه برای انسان. اصلاً حق این را هم نداریم. همینجا چهار پنج خانواده مجبور شده‌اند بروند توی یک اتاق زندگی کنند فقط بخاطر اینکه نمیتوانند اجاره خانه‌شان را بدهند، چون کار ندارند، نمی‌توانند زندگی بچه‌هایشان را بچرخانند.”

و ابراهیم مددی نیز بر حق زندگی شایسته انسانی تاکید کرده، می‌گوید: “شعار کارگران ایران این می‌تواند باشد که “زندگی شایسته حق مسلم ماست.” ما امیدواریم که این شعار که از بطن کارگران است به گوش مسئولان و مقامات کشوری برسد.”

کیواندخت قهاری (رادیو دویچه وله)